

ترجمه و متن کامل

ابرعین شیخ بهائی

(متوفای ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ه.ق.)

همراه با

تقدیم، تعلیق و شناسایی رجال حدیث

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

شیخ بهایی، محمد بن حسین ۹۵۳-۱۰۳۱ ق

الأربعین، فارسی - عربی

ترجمه و متن کامل اربعین شیخ بهایی، همراه با تقدیم، تعلیق و شناسایی رجال حدیث مترجم عبد الرحیم عقیقی بخشایشی

تهران: نشر فکر، ۱۳۸۸

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۴۹۸-۸-۷

کتاب حاضر به مناسبت کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ بهایی منتشر شده است.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه:

اربعین شیخ بهایی

اربعینیات - قرن ۱۰ ق

احادیث شیعه - قرن ۱۰ ق

عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، ۱۳۲۲ - مترجم

۲۱۸/۲۹۷

BP۱۳۳/ش ۹۴ الف ۴۰۴۱۳۸۸

۱۷۹۵۹۴۱

کتابخانه ملی ایران



کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ بهایی

اربعین شیخ بهایی

مؤلف: شیخ بهایی (ره)

مترجم: دکتر عبد الرحیم عقیقی بخشایشی

تاریخ چاپ: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ بهایی

انتشارات فکر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۴۹۸-۸-۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در چکاد اندیشمندان فرازمند در زیر رواق تاریخ به نظاره مشعل پر فروغ متفکران و صاحبان تعقل و تفکر می‌نشینیم که همواره روشن بخش تاریخ، فرهنگ و تمدن بوده و از دیر زمان هویت بخش اهالی اقالیم قبله بوده و پراکندگی ها را به سامان آورده اند.

احیای معرفت ربّانی، طلوع خورشیدی است درخشان که آسمان معرفت ایمانیان و چشمه‌ای جوشان در کویر خشک دل‌های زنگار گرفته زمینیان را روشنی می‌بخشد. مشرق الشمسین هدایت است که با احکام احکام دین بر فراز بلندای (درایت) و معرفت برای رهنوردانی که در وادی اندیشه گام می‌نهند، رموز اسم اعظم را منکشف می‌سازد و ستاره‌ای است در شب تاریک انسان‌ها را در مسیر حق جویی رهنمون می‌باشد. آموزه‌های شیخ بهائی، حبل المتینی است که غرق شدگان وادی ضلالت را اکسیر سعادت می‌بخشد.

(هویت) کلمه تعقل و حکمت ایمانیان است که به یمن حضور و حیانیان، فرادید آدمیان را روشن نموده و آسمانی‌وش، بر زیر تمام اندیشه‌های برخاسته از تاریخ و فرهنگ مادی زمینی به شکوه می‌ایستد و رهروان را به نظاره فرا می‌خواند. چنین است که معرفی و پاسداشت مفاخر فرهنگی، احیای هویت اسلامی و ملی است.

در یادکرد گذشتگان نیک نهاد و عالمان راسخ که به نور امامان خود علیهم السلام هدایت پذیرفتند، این نکته گفتنی است که اینان به سیره موالی خود اقتدا کردند، بار خود را در پیشگاه آنها به زمین افکندند و از غیر ظرف آنها ننوشتند. در حقیقت، یادکرد ایشان، یادآوری و موعظه‌ای است برای آیندگان و انس و آرامشی برای ملحق شدگان و کمکی به این نسلها برای صعود به مدارج کمال و توجه به کارهای پسندیده.

احیای یاد آن عالمان پاک، خود سبب یادکرد امامان و پیشوایان آنها علیهم السلام است و وسیله اتمام نور آن عالمان که از ولایت موالی خود کسب فیض کرده اند. یاد عالمان گذشته وسیله ای است برای عمل به آنچه وارد شده و تشویق به همزیستی و معاشرت با عالمان راستین و اخباری که ترغیب بر سخن گفتن با آنها رسیده است.

کسی که چشم خود را به زوایایی از سیره بزرگان گذشته بدوزد؛ علم، عبادت، فضل و زهد آنها را می بیند، چنانکه گویی خود با آنها انس داشته و همانند کسانی است که با آنها معاشرت داشته است. چنین اشخاصی از سخنان، حرکات، سیره و آداب آنها بهره بر می گیرند و این نیکی ها را پی می گیرند.

طریقه بزرگان، بر ضبط احوال عالمان و جمع و تدوین آنها در کتابهایی گرامی استوار یافته است. در این راه، آنان خود را به رنج و تعصب انداخته تا آنجا که به زحمات سفرها تن داده، راه های سخت را پیموده و خشکی ها و دریاها را درنور دیده و عالمان پیشین را شناخته و شناسانده اند.

علامه بهاء الدین محمد عاملی شیخ بهایی از مشعل داران برجسته سده دهم هجری در حوزه علم و دین است که نام و آثار ماندگارش بر تارک تاریخ می درخشد.

خدا را سپاس که در این روزگاران پر نشیب و فراز توفیق رویکرد به این فقیه و عالم فرزانه را به ما عنایت فرمود تا بتوانیم در فرصتی کوتاه و بضاعتی اندک نامش را گرامی بداریم و آثارش را سامان دهیم. امید آنکه نزد حق مقبول افتیم.

سپاس و درود بر همه بزرگوارانی که در نشر این اثر ما را یاری نمودند بخصوص جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی که عنایت ایشان در نشر این اثر سهم بسزایی داشته و همچنین از جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین عبدالرحیم عقیقی بخشایشی محقق این اثر نفیس کمال تشکر و امتنان را داریم.

دبیرکنگره بزرگداشت محمد بهاء الدین عاملی شیخ بهایی

محمد حسین صفا خواه

فهرست مطالب کتاب

عنوان	صفحه
شناسنامه کتاب.....	۲
فهرست مطالب کتاب.....	۵
پیشگفتار مترجم.....	۱۵
● منزلت حدیث / ۱۵ ● تاریخ تدوین حدیث / ۱۸ ● گفتار حاج آقا بزرگ تهرانی / ۱۹ ● گفتار آیه الله بروجردی / ۱۹ ● گفتار صاحب تأسیس الشيعة / ۲۰ ● افسانه محدودیت حدیث / ۲۱ ● ● سخنی با برخی از نویسندگان تاریخ علوم عقلی / ۲۱ ● پاسخ ما / ۲۲ ● گفتار علامه طباطبائی / ۲۳ ● گفتار استاد بستانی / ۲۴ ● افسانه عدم ضبط حدیث / ۲۵ ● حدیثی از رسول خدا / ۲۶ ● سفرهای پررنج در راه فراگیری حدیث / ۲۶ ● سفر احمد بن محمد بن عیسی قمی / ۲۸ ● سفر ابویوب سلیمان منقری / ۲۸ ● سفر جابر بن عبدالله انصاری / ۲۹ ● سفر ابوالعالیه / ۳۰ ● سفر ابن قلابه بصری / ۳۰ ● سعید بن مسیب / ۳۰ ● جوامع چهل حدیثی / ۳۲ ● گفتار از مؤلف در مورد حدیث و درایه / ۳۷ ● خبر / ۳۸ ● انواع سندها / ۳۸	
اجمالی از زندگی و تألیفات مؤلف.....	۴۱
● ولادت / ۴۱ ● اساتید و شاگردان او / ۴۲ ● عصر زندگی او / ۴۳ ● تألیفات او / ۴۴ ● وفات او / ۵۰ ● انگیزه ترجمه / ۵۰ ● نمونه‌ای از دستخط مؤلف / ۵۲ ● پی‌نویسهای پیشگفتار / ۵۳	
پیشگفتار مؤلف.....	۵۷
○ حدیث اول	
در فضیلت حدیث و حفظ و نقل آن.....	۶۱
● سند و متن حدیث / ۶۱ ● شرح و توضیح حدیث / ۶۳ ● چهل حدیث / ۶۴ ● مورد نیاز / ۶۴ ● تبصره / ۶۵ ● ترجمه حدیث چگونه است؟ / ۶۵ ● تنبّه و آگاهی دادن / ۶۶ ● پرسش و پاسخ / ۶۷ ● تکمیل بحث / ۶۸ ● تذکر و یادآوری / ۶۹ ● پرسش و پاسخ / ۷۰ ● ارشاد و راهنمایی / ۷۰ ● پانوشتها / ۷۳	

● پانوشتها / ۲۱۲

○ حدیث یازدهم

جهد در راه خدا و فضیلت آن ۲۱۳

- سند و متن حدیث / ۲۱۳ ● برخی از توضیحات حدیث / ۲۱۳ ● تبصره و روشنگری / ۲۱۴
- تکمیل بحث / ۲۱۵ ● ارزش انسان / ۲۱۶ ● اصول فضائل و ملکات / ۲۱۷ ● پانوشتها / ۲۲۰

○ حدیث دوازدهم

در امر به معروف و نهی از منکر و آداب و شرایط آن ۲۲۱

- سند و متن حدیث / ۲۲۱ ● توضیحات برخی از جملات حدیث / ۲۲۱ ● وجوب عینی یا کفائی؟ / ۲۲۳ ● دلایل قائلین بر وجوب عینی / ۲۲۳ ● دلایل وجوب کفائی / ۲۲۴ ● گفتار علامه حلی / ۲۲۵ ● شرایط چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر / ۲۲۵ ● انکار قلبی و انواع آن / ۲۲۶ ● روشنگری و هدایت / ۲۲۷ ● شب معراج و عبور رسول خدا از صف معصیت‌کاران / ۲۲۷ ● پانوشتها / ۲۲۹

○ حدیث سیزدهم

روزی و انواع حلال و حرام آن ۲۳۱

- سند و متن حدیث / ۲۳۱ ● برخی از توضیحات لفظی و ادبی / ۲۳۱ ● گفتار اشاعره و معتزله درباره روزی / ۲۳۳ ● گفتار شیخ طوسی / ۲۳۵ ● پانوشتها / ۲۳۶

○ حدیث چهاردهم

علاقه و دوستی دنیا و اعراض از آخرت ۲۳۹

- سند و متن حدیث / ۲۳۹ ● توضیح برخی از الفاظ حدیث / ۲۴۰ ● نکته‌ای و اشارتی / ۲۴۳ ● پانوشتها / ۲۴۵

○ حدیث پانزدهم

کمک به ستمگران و آثار آن ۲۴۷

- سند و متن حدیث / ۲۴۷ ● برخی از توضیحات لازم / ۲۴۸ ● معاونت ظالمان / ۲۴۹ ● روایتی از امام صادق در مورد بنی عباس / ۲۴۹ ● کمک در ساختمان مسجد ستمگران / ۲۵۰ ● آرای فقها / ۲۵۰ ● سخنی با علامه حلی / ۲۵۱ ● تجسم عمل / ۲۵۱ ● روایتی از مرحوم کلینی / ۲۵۲ ● پانوشتها / ۲۵۳

○ حدیث شانزدهم

دعای پربرکت در ادای دین و بدهکاری ۲۵۵

● سند و متن حدیث / ۲۵۵ ● داستانی از مؤلف / ۲۵۵ ● پانوشتها / ۲۵۷

○ حدیث هفدهم

در عصمت انبیا و پیامبران الهی ۲۵۹

● سند و متن حدیث / ۲۵۹ ● پرسشی از داستان یوسف / ۲۶۱ ● ذالنون و غضب او / ۲۶۱ ● غفران ذنوب یعنی چه؟ / ۲۶۲ ● برخی از توضیحات لازم حدیث / ۲۶۳ ● بحث معتزله و اشاعره در رؤیت خدا / ۲۶۵ ● توضیح یک قاعده نحوی و روشنگری حدیث / ۲۶۶ ● گفتار صاحب کشاف / ۲۶۷ ● برهان خدا چه بود؟ / ۲۶۷ ● نسبتهای ناروا / ۲۶۸ ● پاسخ زمخشری از نسبتهای ناروا / ۲۶۸ ● نظر امام فخر رازی / ۲۶۹ ● درباره عصمت رسول اکرم / ۲۷۱ ● مجوزین ارتکاب گناه / ۲۷۳ ● پانوشتها / ۲۷۴

○ حدیث هیجدهم

اوصاف دوست و همشینی که برمی‌گزینیم ۲۷۷

● سند و متن حدیث / ۲۷۷ ● توضیح برخی از الفاظ / ۲۷۷ ● پانوشتها / ۲۸۰

○ حدیث نوزدهم

در وفای به عهد ۲۸۱

● سند و متن حدیث / ۲۸۱ ● توضیحات برخی از الفاظ / ۲۸۲ ● پانوشتها / ۲۸۴

○ حدیث بیستم

در کرنش به طاغوت و اعراض از بندگی حیّ لایموت ۲۸۵

● سند و متن حدیث / ۲۸۵ ● توضیحات ادبی برخی از الفاظ حدیث / ۲۸۶ ● زبان حال و ذکر مثال / ۲۸۸ ● روایتی از شیخ صدوق / ۲۸۸ ● هدایت و روشنگری / ۲۸۹ ● گوش دادن به گوینده / ۲۸۹ ● تقلید اخبار و رهبانان / ۲۹۰ ● تذکر و یادآوری / ۲۹۱ ● روایتی در باب معاشرت / ۲۹۲ ● پانوشتها / ۲۹۳

○ حدیث بیست و یکم

درباره حدیث و انواع و اقسام آن ۲۹۵

- سند و متن حدیث / ۲۹۵ ● منزلت علی / ۲۹۷ ● توضیحات لفظی و ادبی حدیث / ۲۹۸ ● تفسیر و تاویل / ۳۰۰ ● توضیح و تفسیر علمی / ۳۰۱ ● انگیزه تقرب به پادشاهان و قدرتمندان / ۳۰۲ ● نمونه‌هایی از جمل حدیث / ۳۰۲ ● درباره ابوبکر / ۳۰۳ ● احادیث جعلی درباره عمر / ۳۰۳ ● ظهور بابارتن در هندوستان / ۳۰۴ ● علم امام / ۳۰۴ ● جفر و جامعه / ۳۰۵ ● گفتار محقق جرجانی / ۳۰۶ ● عهدنامه امام رضا / ۳۰۶ ● اعتراف برخی از نویسندگان / ۳۰۶ ● پانوشتها / ۳۰۷

○ حدیث بیست و دوم

در وصایا و اندرزهای علی ۳۰۹

- سند و متن حدیث / ۳۰۹ ● خشیت و خوف الهی / ۳۱۰ ● توضیحات برخی از الفاظ حدیث / ۳۱۱ ● طول آرزو / ۳۱۳ ● داستان اسامه بن زید / ۳۱۳ ● انگیزه طول امل / ۳۱۴ ● فرق خوف و خشیت / ۳۱۴ ● روایتی در مورد میانه روی در عبادت / ۳۱۶ ● آفات زبان / ۳۱۷ ● بحثی درباره عصمت امامان / ۳۱۸ ● راه حل / ۳۱۸ ● گفتار قاضی بیضاوی / ۳۱۹ ● پانوشتها / ۳۲۱

○ حدیث بیست و سوم

در پرهیز از گناه و آلودگی روان ۳۲۳

- سند و متن حدیث / ۳۲۳ ● پانوشتها / ۳۲۴

○ حدیث بیست و چهارم

برخی از معاصی و گناهان ۳۲۵

- سند و متن حدیث / ۳۲۵ ● توضیح برخی از عبارات / ۳۲۵ ● مشارکت شیطان یعنی چه؟ / ۳۲۶ ● آداب زفاف و عروسی / ۳۲۶ ● پانوشتها / ۳۲۸

○ حدیث بیست و پنجم

احکام فقهی از دواج، صدقه و هدیه ۳۲۹

- سند و متن حدیث / ۳۲۹ ● توضیح برخی از عبارات / ۳۲۹ ● مسأله فقهی / ۳۳۰ ● تعقیب مطلب / ۳۳۱ ● تذکر / ۳۳۲ ● نسبت ناروا / ۳۳۲ ● بنی هاشم / ۳۳۳ ● دریافت زکات سید از سید / ۳۳۳ ● پایان بحث زکات / ۳۳۳ ● پانوشتها / ۳۳۵

○ حدیث بیست و ششم

در اخلاص عمل و مذمت عجب و خودبینی ۳۳۷

- سند و متن حدیث / ۳۳۷ • توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۳۸ • انواع هدایتها / ۳۳۹
- عجب و مفاسد آن / ۳۴۰ • روایت معاذ بن جبل / ۳۴۱ • روایتی در باب مغفرت / ۳۴۲
- پانوشتها / ۳۴۴

○ حدیث بیست و هفتم

مسائل و احکام فقهی قسم، نذر و عهد ۳۴۵

- سند و متن حدیث / ۳۴۵ • توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۴۵ • فایده اصولی / ۳۴۶
- هدایت و روشنگری و تحقیق / ۳۴۷ • نظریه علم الهدی / ۳۴۸ • نظر مرحوم شیخ طوسی / ۳۴۸ • نظر مؤلف / ۳۴۹ • پرسش و پاسخ / ۳۴۹ • گفتار صاحب مجمع البیان / ۳۵۰
- پرسش و پاسخ / ۳۴۹ • آیه سوم / ۳۵۱ • پاسخ از استدلال به روایت / ۳۵۲ • پایان بخش حدیث / ۳۵۳ • پانوشتها / ۳۵۵

○ حدیث بیست و هشتم

یک قضاوت ریاضی از علی ۳۵۷

- سند و متن حدیث / ۳۵۷ • پانوشتها / ۳۵۹

○ حدیث بیست و نهم

در نخوت مال و ثروت ۳۶۱

- سند و متن حدیث / ۳۶۱ • توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۶۱ • پانوشتها / ۳۶۳

○ حدیث سیام

ستورهای اخلاقی ارزشمند و سازنده ۳۶۵

- سند و متن حدیث / ۳۶۵ • توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۶۴ • شجره مشره چیست؟ / ۳۶۸ • آیا واقعا با زن نامحرم بیش از پنج کلمه نمی توان حرف زد؟ / ۳۶۹ • نماز شرایبخواه / ۳۷۰ • مراتب تقوی / ۳۷۱ • بحث پایانی که نفع آن عمومی است / ۳۷۲ • تعریف غیبت / ۳۷۲ • مواردی که غیبت جایز است / ۳۷۳ • معاصی کبیره و صغیره / ۳۷۴ • مفهوم کبیره و صغیره چیست؟ / ۳۷۵ • سؤال و پاسخ آن / ۳۷۷ • پانوشتها / ۳۷۹

○ حدیث سی و یکم

در ثواب انجام عمل خیر ۳۸۱

● سند و متن حدیث / ۳۸۱ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۸۱ ● انواع سماع / ۳۸۱ ● تفسیر حدیث / ۳۸۲ ● خاتمه و پایان بخش بحث / ۳۸۳ ● پاسخ ما / ۳۸۵ ● پانوشتها / ۳۸۷

○ حدیث سی و دوم

اذکار و دعاهاى پربرکت ۳۸۹

● سند و متن حدیث / ۳۸۹ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۹۳ ● پانوشت / ۳۹۲

○ حدیث سی و سوم

در برانگیخته شدن از قبر ۳۹۳

● سند و متن حدیث / ۳۹۳ ● توضیح برخی از الفاظ حدیث / ۳۹۳ ● پانوشتها / ۳۹۵

○ حدیث سی و چهارم

پیرامون حقوق برادران دینی ۳۹۷

● سند و متن حدیث / ۳۹۷ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۳۹۸ ● شاهدهی از زندگی امام سجاد / ۳۹۸ ● نمونه‌ای از عفو ابوذر غفاری / ۳۹۹ ● پانوشتها / ۴۰۰

○ حدیث سی و پنجم

در منزلت و ارزش معنوی مؤمن ۴۰۳

● سند و متن حدیث / ۴۰۳ ● توضیحات برخی از عبارات حدیث / ۴۰۳ ● پرسش و پاسخ / ۴۰۵ ● آیا واجب و مستحب مساوی هستند؟ / ۴۰۶ ● مقام قرب و انس الهی / ۴۰۷ ● حدیث فوق از طریق عاتق / ۴۰۸ ● تردّد الهی چگونه متصور است؟ / ۴۰۹ ● تنبیه و توهّم / ۴۰۹ ● پاسخ شهید اول / ۴۱۰ ● پایان حدیث / ۴۱۱ ● پانوشتها / ۴۱۲

○ حدیث سی و ششم

سخنان علی در برتری علم و علما ۴۱۳

● سند و متن حدیث / ۴۱۳ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۴۱۴ ● مرگ و میر علم / ۴۱۸ ● روی زمین خالی از حجت نیست / ۴۲۰ ● ثمره وجودی امام / ۴۲۰ ● روایتی از جابر / ۴۲۱ ● داستان سید بن طاووس / ۴۲۲ ● کلام ابن عربی / ۴۲۳ ● پانوشتها / ۴۲۵

○ حدیث سی و هفتم

در اخلاص نیت و صدق عمل ۴۲۷

- سند و متن حدیث / ۴۲۷ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۴۲۷ ● تبصره و روشننگری / ۴۲۹ ● روایتی از مرحوم کلینی / ۴۳۱ ● آیا قصد ثواب، مفسد نماز است؟ / ۴۳۲ ● نیت چیست؟ / ۴۳۳ ● دلیل نیت چیست؟ / ۴۳۴ ● گفتار طبرسی / ۴۳۵ ● پرسش و پاسخ / ۴۳۶ ● بسط مقال / ۴۳۷ ● پانوشتها / ۴۴۱

○ حدیث سی و هشتم

در مورد توبه و بازگشت به سوی خدا ۴۴۳

- سند و متن حدیث / ۴۴۳ ● توضیح پاره‌ای از الفاظ حدیث / ۴۴۳ ● ارکان سه گانه توبه / ۴۴۴ ● هنگام احتضار / ۴۴۶ ● دو خطر بزرگ در تأخیر توبه / ۴۴۶ ● شرایط و آداب توبه / ۴۴۸ ● لحظه مرگ / ۴۴۹ ● توبه نصوص چیست؟ / ۴۵۰ ● شرایط ششگانه توبه / ۴۵۱ ● گفتاری از نهج البلاغه پیرامون توبه / ۴۵۱ ● زودودن زنگ آئینه / ۴۵۲ ● غسل توبه چیست؟ / ۴۵۳ ● نظر مؤلف / ۴۵۵ ● پایان مطلب / ۴۵۵ ● پانوشتها / ۴۵۸

○ حدیث سی و نهم

در اوضاع قبر و احوال آن ۴۶۱

- سند و متن حدیث / ۴۶۱ ● توضیح برخی از عبارات حدیث / ۴۶۳ ● دفن فاطمه بنت اسد مادر علی / ۴۶۴ ● شهادت بر یکتایی خدا / ۴۶۵ ● جایگاه بهشتیان / ۴۶۶ ● جایگاه دوزخیان / ۴۶۶ ● گفتار قاضی بیضاوی / ۴۶۷ ● فریاد دوزخیان / ۴۶۸ ● چرا ما نمی‌شنویم؟ / ۴۷۰ ● رؤایها / ۴۷۱ ● عذاب قبر و برزخ / ۴۷۱ ● دو بار مرگ و دو بار زندگی / ۴۷۳ ● گفتار میر سید شریف / ۴۷۳ ● گفتار زمخشری / ۴۷۴ ● گفتار مرحوم طبرسی / ۴۷۶ ● تعقیب بحث / ۴۷۶ ● نظر نهانی مؤلف / ۴۷۷ ● غرق شدگان و شیرخورده‌ها / ۴۷۷ ● تجسم عمل / ۴۷۸ ● اشعار عربی / ۴۷۸ ● گفتار عرفا / ۴۷۹ ● از دیدگاه سنت / ۴۸۰ ● پانوشتها / ۴۸۲

○ حدیث چهلم

حضور روحی و عینی مؤمنان ۴۸۵

- سند و متن حدیث / ۴۸۵ ● توضیح برخی از عبارت حدیث / ۴۸۵ ● آیا بهشت و دوزخ خلق شده‌اند؟ / ۴۸۷ ● بقا و جاودانگی روح / ۴۸۸ ● روایتی از تهذیب / ۴۹۰ ● تسامخ چیست؟ / ۴۹۰ ● پایان بحث / ۴۹۱ ● پایان کتاب و تاریخ تألیف آن / ۴۹۲ ● تاریخ

۱۴ اربعین شیخ بهائی

ترجمه / ۴۹۳ • پانوشتها / ۴۹۴

۴۹۷ فهرست منابع و مآزک

۵۰۱ متن عربی کتاب

* * *

پیشگفتار مترجم

۱- منزلت حدیث

۲- میر حدیث

۳- تاریخ تدوین حدیث

۴- افسانه عدم ضبط حدیث

۵- سفرهای پررنج در راه فراگیری حدیث

۶- جوامع جهل حدیثی، از جهل محدث نامدار

۷- شیخ بهائی (ره) و اثر نفیس او

۸- نمونه‌های مورد مقابله

۹- دستخط شیخ (ره)

۱۰- انگیزه ترجمه و تحقیق

۱- منزلت حدیث

سنت که (بر طبق فقه ما) همان اقوال، تقاریر و افعال پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم السلام می‌باشد، یکی از شاخه‌های پر بار فرهنگ غنی اسلام است که در سازندگی و تربیت انسان و در پیشبرد اهداف معنوی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه بشری، نقش مؤثر و سازنده‌ای داشته است و در نقش تحول آفرینی آن هیچ گونه شبهه و تردیدی نیست.

در شرافت و اصالت سنت و حدیث، همین بس که راه شناخت خدا و پیامبر و مقام انبیاء و نحوه درستی انجام تکالیف بندگان را در اختیار ما قرار می‌دهد، و در واقع خود اساس اولیه فقه و فقهات اسلامی، و یک نوع واسطه فیض بین خالق و مخلوق و عامل هدایت و رهنمود جامعه، و مصداق بارز وحی و الهام می‌باشد، چون قرآن درباره پیامبر عزیزش می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۱

منزلت علمی و نقش فرهنگی حدیث و سنت در این است که تفسیر و توضیح بخش عظیمی از آیات نورانی الهی، تبیین و تفسیر آیات مشکله، و تفسیر حدود تنزیل فرایض و سنن و محرمات احکام را بر عهده دارد، و چون آیات الهی همانند قانون اساسی، کلی و عمومی است، شرح و توضیح و تطبیق آن با مصادیق و جزئیات علمی، بر عهده حدیث و سنت نبوی ﷺ و گفتار و تقریرات پیشوایان معصوم علیهم السلام است. از اینرو عترت، منبع فیاض بیان جزئیات زندگی است و احادیث آنان، عدل و قرین قرآن می باشد، و تمسک به هر دو (طبق تواتر احادیث) مورد سفارش و توصیه بوده است، بویژه آنکه احادیث اهل بیت علیهم السلام و فتاوی و دستورهای ارشادی یا تبلیغی آنان، الهام گرفته از وحی و متصل به سرچشمه زلال رسالت است، چون هرگز آنان چیزی از خود ندارند، آنچنان که هشام بن سالم و حماد بن عثمان و دیگران از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود:

«حدیث من، حدیث پدرم، حدیث پدرم، حدیث جدم حدیث حسین علیهم السلام و حدیث حسین همان حدیث حسن، و حدیث حسن همان حدیث امیرالمؤمنین علیهم السلام و حدیث امیرالمؤمنین همان حدیث رسول خدا ﷺ و حدیث رسول خدا، گفتار خدای عز و جل می باشد.»^۲

در این زمینه دهها حدیث در منابع شیعه و اهل سنت آمده است، از جمله در جلد اول «اصول کافی» و «جامع احادیث الشیعه»، بیش از هیجده روایت از هر دو طریق آورده شده است.^۳

از نمونه هایی که فراگیری حدیث را مورد تشویق و ترغیب قرار داده، چند نمونه ذکر می شود تا ما را با منزلت حدیث بیشتر آشنا سازد:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اگر حدیثی را که در مورد حلال و حرام باشد از فرد صادق و درستکاری فرا بگیری، ارزش آن از مجموع دنیا و هر آنچه از سیم و زر در آن قرار دارد، بیشتر می باشد.»^۴

و در حدیث شریف دیگری می فرماید:

«هر آن کس که تنها دو حدیث را فرا بگیرد و از آن دو حدیث بهره ببرد یا آن دو را به دیگری پیامزد که دیگری از آن بهره‌مند شود، بهتر از شصت سال عبادت می‌باشد...»^۵

و باز در مورد دیگری می‌فرماید:

«هر فردی از شیعیان ما، چهل حدیث از احادیث ما را [که بهره‌دینی و دنیوی داشته باشد] فراگیرد، پاداش او این است که روز قیامت فقیه و عالم محشور می‌شود.»^۶

و از یادگار ارزنده رسول خدا ﷺ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده است که ابن مسعود گوید:

«شخصی به محضر آن بانوی بزرگوار وارد شد و عرض کرد: ای دختر رسول خدا! آیا پیامبر اسلام یادگاری نزد شما دارد که به عنوان هدیه و تحفه به من عنایت فرماید تا بهره‌مند شوم؟ فاطمه علیها السلام به خدمتگزاری که در حضورش بود روی آورد و فرمود: «آن مکتوب (جریده) را بیاورد. کتیزک به جستجوی آن پرداخت، ولی آن را نجست و دست خالی برگشت. فاطمه علیها السلام از این پیش آمد بسیار ناراحت شدند و فرمودند: «سعی و کوشش کن تا آن را بیابی، چون ارزش و قیمت آن در نظر من معادل ارزش حسن و حسین علیهما السلام می‌باشد.» وقتی در اثر جستجوی بیشتر، خدمتگزار موفق به پیدا کردن آن شد، پارچه‌ای را آورد که در آن ورقه‌ای پیچیده شده بود. آنرا گشودند، و در آن چنین نگارش یافته بود: «محمد ﷺ پیامبر اسلام فرمودند: از جرگه مؤمنان بیرون است فردی که همسایگان از آزار او در امان نباشند. فردی که به خدا و روز رستاخیز ایمان و اعتقاد داشته باشد، هرگز همسایه خود را مورد اذیت و آزار قرار نمی‌دهد. فردی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، سخن شایسته به زبان می‌آورد، یا سکوت برمی‌گزیند. خداوند متعال انسان نیکوکار، بردبار و عفیف را دوست می‌دارد، و بدزبان و چالپوس و اصرارکننده در سؤال را دشمن می‌دارد. حیاء و شرم بخشی از ایمان است، و صاحب ایمان در بهشت جا دارد و فحش و بدزبانی، نوعی از بدگویی است و بدگو و فحاش در آتش جای دارد...»^۷

این چند حدیث شریف که تنها به عنوان نمونه ذکر شد، خود گویای ارزش و اعتبار حدیثند و به خوبی می‌رسانند که احادیث و روایات از نظر اولیای دین، آنچنان از اعتبار و

قداست و منزلت برخوردار هستند که یک حدیث در نظر «صَدِّيقَةُ طَاهِرَةٍ» علیه السلام معادل دو نورچشم خود - که نورچشمان عالم امکان و جهان هستی هستند - می باشد.

این قبیل دلسوزیها و تشویقها در طول تاریخ اسلام، عامل محرک علما و دانشمندان بوده است، تا از این گنجینه ها حراست و پاسداری نمایند و در تدوین آنها بکوشند و به نسل بعدی انتقال دهند.

تاریخ تدوین حدیث

بر اساس این اهتمام، تدوین و گردآوری حدیث، و ثبت و ضبط آن، به سالهای اَوَّلِیَّة طُلُوع اسلام و وحی منتهی می گردد. روزگاری که مسلمانان توضیح و تبیین مفاهیم آیات را از ساحت مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله می پرسیدند و از آن حضرت پاسخهای کامل و جامع می گرفتند. به اعتقاد مسلمین، قول، فعل یا حکایت تقریر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، با داشتن همه شرایط موجود در علم درایه، حجت شرعی و مستند الهی، و یکی از منابع مهم مشروعیت عمل هر مکلف به شمار می آید، و در فقه غنی و پر بار ما علاوه بر پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله، قول و فعل و حکایت تقریر معصوم علیه السلام هم به سبب استناد به رسول خدا صلی الله علیه و آله حجت و دلیل می باشد.

بنابراین، حدیث و سنت می تواند تعیین کننده و مفسر مفهوم آیات، و حجت شرعی قابل توجهی باشد، و به دلیل اهمیت آن، از عصر صدور تا کنون، سینه به سینه در میان مسلمانان می گشته است. اما در مورد ضبط و تدوین احادیث، بحث و گفتگو فراوان است. چون طبق تصریح اغلب مورخین و مفسرین اهل سنت، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله محدودیتی که از سوی خلیفه دوم در مورد نگارش احادیث به وجود آمد، بنا بر خوش بینانه ترین نظریه ها، از آن رو بوده است که امر حدیث با قرآن مشتبّه نشود، یا اینکه مردم به قرآن بیشتر جذب و جلب گردند. از این رو تدوین سنت از سوی اکثریت متوقف گردید و تا قرن دوم هجری، چندان اثر تألیفی قابل توجهی به وجود نیامد. ولی طبق تصریح تاریخ، با وجود آن همه سخت گیری و تهدید، باز ضبط و درج احادیث در محدوده اعتقادی و گرایش قلبی افراد جریان داشت؛ افرادی که وظیفه شرعی و الهی خویش می دانستند که

در حفظ و حراست آن کوشا و ساعی باشند. از این رو آغاز تدوین حدیث در میان آنان از همان روزهای صدور احادیث از منبع و سرچشمه الهی خود متوقف نبوده است و در تأیید این نظریه، گفتار چند تن از بزرگان اهل فن را می آوریم:

۱- گفتار علامه متتبع، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی

صاحب کتاب گران سنگ و ارزنده «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» در باب حدیث و معاجم حدیثی، پس از آنکه تعداد ۷۴۳ جلد کتاب حدیث یا مجموعه هایی از جوامع و اصول حدیثی را با اسامی گرد آورندگان و مؤلفان آنها - که معمولاً از متقدمین و پیشکسوتان حدیث می باشند - ذکر می کند، چنین می نگارد:

«این شمارش، از روی فهرست قدمای اصحاب ما بود، و عموماً احادیثی هستند که از ائمه و پیشوایان معصوم علیهم السلام روایت کرده اند، و عین الفاظ این جوامع در کتابهای حدیثی ما، آمده است، و بزرگان پیشین ما محققان سه گانه (محمد بن یعقوب، محمد بن علی (ابن بابویه) و محمد بن حسن طوسی) که به ترتیب نویسندگان «کافی، فقیه، استبصار و تهذیب» اند، و «محققان متأخر»، صاحبان وافى، وسائل، بحار و مستدرک آن در کتابهای خود آورده اند، ناظر بر طرف و بی غرض از این کتابها قطع و یقین حاصل می کند که امامیه بیش از هر فرقه و گروه دیگر، در گرفتن احکام شریعت از معادن حکمت و منابع علوم الهی، پیشگام و پیشقدم بوده اند، و احادیث را به موقع، در کتابهای خود به ودیعت نهاده اند تا از تحریف و جعل و تشویش مصون و محفوظ بمانند، ولی دیگران همانند شیعه سنی و کوشش و تلاش نداشته اند ...»^۸

۲- گفتار مرحوم آیه الله بروجردی

فقیه بزرگوار و حدیث شناس عالیقدر، مرحوم آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله در مقدمه «جامع احادیث الشیعة» که آن را یکی از ذخایر عمر پربرکت خویش می شمرد، چنین می نگارد:

«حدیث و آنچه از فنون و علوم و معارف در ارتباط با آن هستند، از منزلت و اعتبار خاصی برخوردار می باشند و تحصیل آن به عنوان یکی از مهم ترین فرایض الهی در کتاب آسمانی ما آمده است، چون آیات به صورت اجمالی و کلی است و راه شناخت اصول شریعت و فروع آن، منوط به شنیدن از شخص رسول الله صلی الله علیه و آله یا افرادی است که

در ارتباط مستقیم با او و از خود او هستند، تا از خطا و انحراف مصون باشد، و چون در صحت حدیث علاوه بر وثاقت راوی، به درج و ضبط کامل نیز نیاز هست، و آن تنها از راه کتابت و نگارش میسر می‌شود، از این رو فضلاء مسلمانان، با همه اختلافی که در آراء و نظریات آنان وجود داشته است، به ضبط احادیث و تشخیص صحیح از سقیم آن پرداخته‌اند، و کتابهای متنوع و گوناگونی به ودیعت و یادگار نهاده‌اند که مهم‌ترین گروه‌های اسلامی، دو فرقه زیر می‌باشد؛ یکی فرقه منتسب به سنت و جماعت، و دیگری امامیه اثناعشری می‌باشد. اما «ناووسیة»^۱ و «قطیحة»^۲ و «واقیحة»^۳ در فقه با «امامیه» هستند، و گروه «زیدیه» در فقه موافق اهل سنت می‌باشند.^۴ و دیگران در اقلیت قرار دارند. اما اهل سنت که جمهور عظیم مسلمانان را تشکیل می‌دهند تا نیم قرن دوم هجری چیزی از کتابهای حدیث را تألیف نکرده‌اند، تنها در آن عصر «موطاء» مالک بن ابی عامر مدنی (۹۳-۱۷۷ ه.ق) تألیف گردید...^۵

۳- گفتار صاحب تأسیس الشیعة

عالم متتبع و رجالی نامی دیگر، مرحوم «سید حسن صدر» در کتاب «تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام» می‌نویسد:

«شیعه نخستین گروهی است که اقدام به جمع‌آوری آثار و اخبار نموده و در عصر خلفا هم اقدام به کتابت و تدوین حدیث کرده است، و شخص علی بن ابیطالب علیه السلام نخستین نگارنده و گردآورنده حدیث بوده است...»^۶

نجاشی در شرح حال «محمد بن عذافر» آورده است که می‌گوید:

«با حکم بن عیینه در محضر امام باقر علیه السلام بودم که او سؤال می‌کرد و امام علیه السلام پاسخ می‌داد. در موردی اختلاف نمودند، امام باقر به پرسش فرمود: بلند شو کتاب علی علیه السلام را بردار و بیاور. او کتاب بزرگ و پیچیده‌ای را آورد. امام باقر علیه السلام بررسی کرد تا مسأله مورد نظر را از کتاب دریافت و فرمود: «این خط علی علیه السلام و املائی رسول خداست. به حکم فرمودند: تو سلمه و مقداد هر کجا خواستید بروید، (به هر گروهی که خواستید متمایل گردید) به خدا قسم علم و دانشی مطمئن‌تر از آنچه در اختیار ما خانواده است نخواهید یافت.»^۷

یا اینکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«حسن بصری خواه به راست برود یا چپ، به هر نقطه دنیا سفر کند، علم واقعی را جز در این خاندان، جای دیگر پیدا نخواهد کرد...»^۸

افسانه محدودیت حدیث و جلوگیری از نگارش آن

از سوی دیگر با توجه به ماهیت دانش دوستی و فضیلت خواهی و عالم پروری اسلام که در تمام احکام نورانی قرآن متجلی است، و با توجه به تشویقها و ترغیبهایی که پیشوایان اسلام در مورد نوشتن و درج احادیث به کار گرفته‌اند، مسأله جلوگیری از ضبط حدیث و نگارش آن، هرگز نمی‌توانست موافق با تعالیم فضیلت‌خواه آن باشد، و به نظر می‌رسد که پاره‌ای از احادیثی که برخی از نویسندگان صحاح ششگانه از پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ نقل کرده‌اند: «هیچ چیزی جز قرآن از من ضبط نکنید، و هر کس جز قرآن چیز دیگری را بنویسد، باید آن را پاک کند...»^{۱۷} از احادیث مجعول و تحریف شده باشد، چون اسلامی که شعار و طلیعه وحی آن خواندن و نوشتن و سوگند یاد کردن به قلم و تراوشات آن بوده و هست، چگونه می‌تواند از نوشتن احادیث نبوی ﷺ که عِدْلِ قرآن، و قرین آن، و تفسیرکننده و بیانگر آیات است، جلوگیری کرده باشد؟ اصولاً چگونه قابل پذیرش است که نگارش گفتارها و بیانات رسول خدا ﷺ که مصداق بارز «مَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» است، ممنوع باشد؟ مگر آنکه بر فرض قبول اصول روایت، منظور گفتارهای موسمی یا بیانات مقطعی یا مربوط به یک حادثه از حوادث خاص روز باشد که آویزه‌ای در اختیار جریان سیاسی یا گروه مخصوصی قرار دهد که با احادیث به جنگ قرآن یا به مبارزه با آیات برخاسته باشد. البته چنین گفتار یا بیانی نه تنها از نظر واقع، وجود خارجی ندارد، و بر فرض وجود، باید اشکال امر را یافت، یا افراد را روشن ساخت، نه آنکه گفتار یا احادیث را از میان برد، که در اصول فقه در باب تعادل و تراجیح، حکم آن روشن گردیده است. (هر چیزی که با قرآن مخالفت و معارضه داشته باشد، پس آن را به دیوار باید کوبید.)

سخنی با برخی از نویسندگان تاریخ علوم عقلی و تمدن اسلامی

یکی از نویسندگان ادبیات و تمدن اسلامی در کتاب خود چنین می‌نگارد:

«بعد از آنکه اسلام در عربستان شایع گشت و قبایل عرب متحد شدند، چون حکومتی که میان آنان پدید آمده و وسیله اتحاد قدرت و سیادت ایشان شد، مبتنی بر قرآن بود، طبعاً

این کتاب مقدس، مرجع تمام اعمال و نیات آنان قرار می‌گرفت. به همین سبب در آغاز امر، این فکر برای خلفا و زعمای آن قوم پدید آمده بود که هیچ چیز جز قرآن لایق خواندن و استفاده کردن نیست و این عقیده علی‌الخصوص در عهد خلفای راشدین و بنی‌امیه شیوع و رواج بسیار داشت، چنانکه جز عرب، قومی را لایق سیادت، و غیر از احکام اسلامی و قرآن کریم و احادیث، هیچ چیز را شایسته توجه و مطالعه و آموختن نمی‌دانستند. اعتقاد عرب مانند عقیده همه مسلمانان، آموختن آن بود که «إِنَّ الْإِسْلَامَ يَهْدِيكُمْ مَا قَبْلَهُ»^{۱۸} (اسلام آنچه را پیش از اوست ویران می‌سازد) و به همین سبب در اذهان مسلمانان چنین رسوخ کرده بود که بجز قرآن به چیز دیگری نظر نکنند، زیرا قرآن، ناسخ همه کتب، و اسلام، ناسخ همه ادیان است. پیشوایان شرع مبین هم مطالعه هر کتاب و حتی هر کتاب دینی غیر از قرآن را ممنوع ساخته بودند. گویند روزی پیغمبر ﷺ در دست عمر ورقه‌ای از تورات را مشاهده کرد و چنان غضبناک شد که آثار غضب بر چهره او آشکار گردید و آنگاه گفت: «أَلَمْ آتِكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ تَنْفَعُ وَاللَّهُ لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا وَصَّعَهُ إِلَّا إِنْشَاعِي» (یعنی آیا در برابر تورات صحیفه نورانی برای شما نیاورده‌ام؟ به خدا قسم اگر موسی هم زنده بود او را نمی‌رسید جز آنکه از من پیروی نماید).^{۱۹}

نویسنده کتاب به این روایت و امثال آن، استدلال می‌کند بر اینکه پیامبر اسلام ﷺ خیلی مایل نبود که مسلمانان جز به قرآن، به کتابها یا احادیث توجه داشته باشند.

پاسخ ما

پاسخ اجمالی ما از این پندار ناروا و توهم غیر صحیح و امثال آن اوهام، این است که به فرض قبول قطعیت سند، و اعتبار راویان این روایت، باز این حدیث هرگز دلالتی بر هدف و منظور نویسنده ندارد. چون:

اولاً - روایت نخست که درباره ویران ساختن شالوده‌های پیشین است، و در روایات ما «الْإِسْلَامُ يَجِبُ مَا قَبْلَهُ»^{۲۰} آمده است، در مورد اعمال و کارهای گذشته غیر مسلمانان وارد شده است، و فقهای ما با استفاده از این روایت، اصل و قاعده‌ای را بنا نهاده‌اند که یک فرد غیرمسلمان پس از اسلام آوردن لازم نیست اعمال عبادی و مسؤولیتهای الهی را که بر مسلمانان واجب است، قضا نماید و اسلام سابقه پیشین او را قطع

و یا به تعبیر آن روایت، ویران می‌سازد، نه آنکه اصول اعتقادی یا تعالیم ارزنده دیگر ادیان را قطع کند، چون «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^{۲۱} و همه ادیان، اصول متحد و مشترکی را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

ثانیاً - روایت دوم، نوعی توجه دادن مسلمانان به تمسک بر قرآن متقن و محکم می‌باشد که دست تطاول و تحریف به آن نرسیده و هدف روایت آن است که با وجود این قرآن متقن و دست‌نخورده، و با وجود این صحیفه نور و روشنایی، چه انگیزه‌ای دارید که به تورات منسوخ و تحریف یافته رو آورید تا افکار تان مشوب و مضطرب شود و دچار انحراف عقیدتی گردید؛ آنچنان که از قسمت آخر روایت به روشنی استفاده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: «آیا من صحیفه نورانی نیاورده‌ام؟» یا با وجود این همه آیات بینهات و حکمتها، و قصص و تواریخ عبرت‌آمیز چه داعی دارید که از تورات دست‌خورده راه و روش بیاموزید؟^{۲۲}

در هر صورت این روایت هیچ گونه دلالتی بر نهی پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ ندارد. به علاوه در فهم اسلام و تاریخ تمدن آن ضرورت دارد که مفاهیم اسلام و حقایق قرآن، و حدیث و سنت مد نظر قرار گیرد، نه روش خلفا یا زمامداران که نوعاً جنبه انفعالی و مقطعی و تأثر از مسائل روز را دارند، نه سندیت و کاشفیت از متن معارف اسلام. اینک برای درک حقیقت به سراغ گفتار یکی از اساطین علم و ادب می‌رویم.

گفتار استاد علامه طباطبائی رحمه الله

استاد بزرگوار پس از بررسی روایات هر دو طرف، اظهار می‌دارند:

«در قرن اول و دوم، هنگامی که مردم اطراف ابوهیره، سمره بن جندب، نعمان بن بشیر، کعب الأحمار، عکرمه، مروان، عمرو عاص و ... را گرفته بودند و حدیث دریافت می‌کردند، شیعه اطراف امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندان گرامیش گرد آمده بودند و به فرا گرفتن حدیث مشغول بودند و علی علیه السلام بر خلاف نظریه خلفای پیش از خود، درس و تدوین حدیث را تجویز، بلکه واجب کرد؛ همانطوری که پیامبر اکرم ﷺ دستور تعلم و تعلیم را می‌داد و می‌فرمود: «تَذَاكَرُوا الْحَدِيثَ فَإِنَّكُمْ لَا تَعْمَلُوا بِدَرْسٍ» حدیث را مذاکره کنید، زیرا اگر مذاکره نکنید حدیث از بین می‌رود.»^{۲۳}

با توجه به مراقبت دائمی و اعتنای اهل بیت عصمت علیهم السلام است که در متون اولیه می‌خوانیم که کتاب یا کتابهایی به املائی پیامبر اسلام و نگارش علی علیه السلام تألیف شده و در نزد اهل بیت علیهم السلام موجود بوده است، و همواره به آنها استناد و افتخار می‌کرده‌اند؛ کتابهایی که به اسامی مختلف به این ترتیب آمده است:

«کتاب علی علیه السلام، یا کتاب علی علیه السلام با املائی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» یا «صحیفة الفرائض» کتاب الأدب. حال چه این کتب، یکی بوده و یا متعدد باشد، به طور قطع منبع علوم و معارف متنوعی بوده است. در این باره بزرگان اهل سنت مانند بیهقی، در سنن کبری (ج ۸، صص ۲۶ و ۳۰) و متقی هندی در کنز العمال (ج ۳، صص ۸۷ و ۳۰۵) و امام شافعی در مسند (ج ۲، صص ۹۷ و ۱۰۴) و امام احمد در مسند (ج ۱، صص ۷۹، ۸۰، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۶ و ۱۵۲) و مسلم در صحیح خود (ج ۴، ص ۲۱۷) در باب «کتاب علم و من تبرأ من موالیه» از این کتاب نقل کرده‌اند و از نقل آنها معلوم می‌شود که کتاب علی علیه السلام مشتمل بر احکام زکات، دیات، اخلاق، و پیش‌گوییهای نیز بوده است و از نقل ابن ابی‌الحدید (ج ۲، ص ۲۱۱) استفاده می‌شود که علوم متنوعی در کتاب علی علیه السلام وجود داشته است.^{۲۴}

گفتار استاد بستانی

بستانی در دایرة المعارف خود، کتاب جفر و جامعه را به علی علیه السلام نسبت داده است و گوید:

«ابن طلحه گفته است: «جفر» و «جامعه»، دو کتاب جلیلی است که یکی را امام علی علیه السلام بالای منبر کوفه در خطبه ذکر فرمود، و دیگری کتابی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به صورت پنهانی به علی علیه السلام و اولاد او دستور داد که تدوینش کنند.»^{۲۵}

علاوه بر کتابهای علی علیه السلام، مصحف فاطمه علیها السلام دارای امثال و حکم و مواعظ و سخنان عبرت‌آمیز و اخبار بوده است و سیوطی در «تدریب الراوی» نقل کرده است که امام حسین در نوشتن حدیث با منع و جلوگیری خلیفه مخالفت نمود.^{۲۶}

در هر صورت روش اهل بیت علیهم السلام در تألیف معلوم و آشکار است. علاوه بر اهل سنت، بزرگان شیعه مانند سلمان، ابوذر، ابورافع، عبدالله بن رافع، اصغیر بن نباته و دیگران،

از امام علی علیه السلام پیروی کرده و به تألیف مشغول شده‌اند، و رشته کار را به دست آیندگان سپردند و در نتیجه تألیفات و مؤلفین زیاد شدند. در عصر امام پنجم و ششم علیهما السلام که آن عصر را باید عصر نهضت علمی نامید، به قدری مردم به علم و تألیف توجه نمودند که اسامی مؤلفین و کتابها، خارج از حد احصاء است و کتابهای نجاشی، شیخ طوسی، منتهی المقال، و در عصر اخیر «الذریعة الی تصانیف الشیعة» می‌تواند نموداری کوچک از آن حرکت عظیم علمی و تألیفی باشد.

افسانه عدم ضبط حدیث

با توجه به آنچه گذشت، و با عنایت به منطق عقل و دانش، و روح کلی فضیلت‌خواهی و دانش‌دوستی اسلام، معلوم می‌گردد که افسانه نهی از نوشتن حدیث، از آن دسته روایات و احادیثی است که پس از دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ساخته شده است، و هرگز نمی‌تواند ارزش و معیار علمی درستی داشته باشد، چون اسلامی که در مورد قرض و وام دادن مسلمانی به مسلمان دیگر، مفضل‌ترین آیه‌ها را دارد که آن را بنویسند، و امضا کنند، آیا اجازه می‌دهد که از نوشتن سخنان و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که همگی در اعتبار و ارزش، عذل قرآن و قرین وحی است و می‌تواند مشعل فروزان روشنگری و تفسیر آیات در اعصار و قرون بعدی باشد، نهی و جلوگیری به عمل آید؟

آیا احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همگی آموزش و وحی الهی است به اندازه چند دینار وام ارزش ندارد که ضبط و ثبت گردد؟

شاید این نوع مطالب مربوط به جلوگیری از ضبط حدیث، توطئه‌ای از سوی توطئه‌گران سیاسی بوده باشد تا اهمیت و ارزش کار گردآورندگان حدیث و حاملان علوم رسالت را بی‌ارزش یا کم‌اعتبار جلوه دهند.

گرچه شاید واقعاً انگیزه حفظ و صیانت قرآن را نیز داشته باشد، ولی این جلوگیری چرا در مورد ادبیات و اشعار و چکامه‌ها و ایام عرب و مغازی نبوده است؟ از سوی دیگر، قرآن به وسیله حافظه‌های قوی و نیرومند و بانگارش و ضبط کامل آن چنان مضبوط بود که احدی نمی‌توانست چیزی بر آن افزوده یا کم نماید و مسلمانان همیشه در جریان امر بودند.

گویا این موضوع حقیقت دارد که خلیفه دوم طی بخشنامه‌ای از نوشتن احادیث جلوگیری به عمل آورد. این بخشنامه آثار زیانبار و لطمه‌های بی‌شماری را بر فرهنگ غنی و میراث الهی وارد آورد. این بخشنامه تا مدتی حکومت داشت تا آنکه آثار سوء آن به رأی العین محسوس و مشاهده گردید. سرانجام عمر بن عبدالعزیز به «ابی بکر بن حزم» یکی از علمای بزرگ مدینه نوشت: «انْظُرْ مَا كَانَ مِنْ حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ فَآكُتِبُهُ فَإِنِّي خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَ ذَهَابَ الْعُلَمَاءِ» (احادیث پیامبر را مورد توجه قرار دهید و آنچه را صحیح می‌دانید بنویسید. من از نابودی علم و دانشمندان آن، بیمناکم).^{۲۷}

حدیثی از رسول خدا ﷺ

شاید مدافعان ضبط و نگهداری حدیث بیش از هر انگیزه و عامل، از این سخن پربار رسول خدا ﷺ الهام می‌گرفتند: «خداوند شاد کند بنده‌ای را که سخنان مرا شنیده، به خاطر بسپارد و برای کسی که آن را نشنیده است، روایت کند».^{۲۸} این سخن گرانبها بارها در مواعظ و خطبه‌ها و گفتارهای آن حضرت آمده، و به گوش کسانی که گوش شنوایی داشتند رسیده است، که در رأس آنان علی علیه السلام و اولاد اطهار او علیهم السلام قرار داشتند.

سفرهای پررنج در راه فراگیری حدیث

با توجه به قداست و معنویتی که علم حدیث و بازگویی احکام الهی داشت، شیفتگان و علاقمندان حدیث در راه کسب و فراگیری آن، متحمل زحمات و تلاشهای فوق العاده‌ای می‌شدند، تا حدیثی را از منبع نخستین آن یا از افرادی که خود بدون واسطه از منبع نخستین دریافت کرده بودند، بشنوند. گاهی مسافرت سی روزه، با آن همه زحمت و مشقتی که در برداشت، برای شنیدن یک حدیث صورت می‌گرفت، و گاهی از یک منطقه دوردست شَدِّ رِحال بسته می‌شد، تا حدیثی از راوی نخست اخذ شود، و گاهی در مورد یک باب از مسائل فقهی اسلام، چندین سال پرسش و پاسخ صورت می‌گرفت، تا موضوع کاملاً مشخص گردد. در این باب نمونه‌های فراوانی در «درایه» و «رجال» وجود دارد که ما تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

«زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَن» می‌گوید: مدت چهل سال مسائل حج را از امام صادق علیه السلام می‌شنیدم و باز زمینه سؤال باقی بود، و هنوز سخنان ناگفته وجود داشت. در این باره در کتاب وسائل الشیعة چنین آمده است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَسْأَلُكَ عَنِ الْحَجِّ مِنْذُ أَرْبَعِينَ عَامًا فَتُفْتِينِي فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ بَيِّتْ حَجَّ اللَّهِ قَبْلَ آدَمَ يَا لَيْفِي عَامٌ تُرِيدُ أَنْ تُفَنِّي مَسَائِلَهُ فِي أَرْبَعِينَ عَامًا»

«زُرَّارَه» می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خداوند مرا فدای تو گرداند، از چهل سال پیش تاکنون درباره مسائل حج از تو می‌پرسم و شما همواره مرا بی‌جواب نمی‌گذارید. فرمود: زرارَه! تو می‌خواهی تمام مسائل کانون مقدسی را که دوهزار سال پیش از آدم علیه السلام مورد توجه و عنایت الهی بوده است، در چهل سال پاسخ گفته شود؟^{۲۹}

با توجه به این گونه عنایت خاص بود که مردان فاضل و دانشمندی مانند زرارَه، محمد بن مسلم، ابوبصیر و ابان بن تغلب (در عهد امام باقر و امام صادق علیه السلام) زکریا بن آدم، یونس بن عبدالرحمن، حسن بن علی بن وشاء (در عهد امام رضا علیه السلام) به وجود آمدند که آثار و نوشته‌های آنان روشنگر راه عاملان احکام الهی، و کتابهای حدیث، مشحون از زحمات و تلاشهای شبانه روزی آنهاست.

سفرهای طولانی برای فراگیری یک حدیث

در راه دریافت حدیث، و احیاناً یک حکم الهی از راوی نخستین، یا منبع مطمئنی که دل را سکون و آرامش بخشد، و بین او و خدا حجت تمام باشد و بتوان برای دیگران نیز به عنوان معیار عمل و مقیاس شرع، به ودیعت گذاشت سفرهای طولانی و راه پیماییهای پرزحمت و دور و دراز توأم با مرارت صورت می‌گرفت، و مسافرت‌کننده بسیار خوشحال می‌شد که او توانسته است به یک حدیث صحیح یا به یک درّ پرفیض از معارف الهی دست یافته است. در این مورد نیز چند نمونه ذکر می‌شود:

۱- سفر احمد بن محمد بن عیسی قمی، از قم به کوفه

«شیخ الطائفة» - اعلی الله مقامه الشریف - (۳۸۵ - ۴۶۰ ه. ق.) از احمد بن محمد بن عیسی، محدث و عالم مشهور قمی که ریاست علمای شهر را در عصر خود داشته است، نقل می‌کند که می‌گفت:

«در جستجوی حدیث به کوفه رفتم. در آن شهر «حسن بن علی و شاء» را ملاقات کردم که یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. از او خواستم که کتاب علاء بن رزین و ابان بن عثمان را به من بدهد. وقتی کتابها را به من داد، گفتم از شما می‌خواهم که اجازه روایت کردن این دو کتاب را نیز به من بدهید. حسن بن و شاء گفت: خدا تو را رحمت کند، چه عجله‌ای داری؟ برو از روی آنها بنویس بعد سماع کن (شنیدن حدیث). گفتم: از حوادث روزگار ایمن نیستم. گفت: اگر من می‌دانستم که کسی مانند تو طالب حدیث خواهد بود احادیث بسیاری را فرا می‌گرفتم، زیرا من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد نفر از مشایخ حدیث را درک کردم که همگی می‌گفتند: «حدّثني جعفر بن محمد، حدّثني جعفر بن محمد علیه السلام» جعفر بن محمد مرا روایت کرد.»^{۳۰}

۲- سفر ابویوب سلیمان منقری از بصره به کوفه

«ابویوب سلیمان منقری» یکی دیگر از محدّثین عالیقدر می‌گوید:

«بیش از بیست و چند بار از بصره برای گرفتن یک حدیث، به کوفه سفر کردم تا در مجلس «حفص بن غیاث» که حدیث می‌گفت حضور پیدا نمایم و احادیث او را یادداشت کنم. وقتی به بصره برگشتم، در «نباته» ابن ابی خدیوه را ملاقات کردم او گفت: «سلیمان! از کجا می‌آیی؟» گفتم: «از کوفه.» گفت: «حدیث چه کسی را نوشتی؟» گفتم: «حدیث حفص بن غیاث را.» گفت: «تمام احادیث او را نوشتی؟» گفتم: «آری» گفت: «حدیثی را که درباره گوسفند قربانی، حفص از جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش از ابوسعید خدری روایت کرده‌اند، نوشتی؟» گفتم: «نه!» گفت: «چشم‌ت گریان باد! پس در کوفه چه می‌کردی؟» منقری گوید: «خورجین خود را نزد ابن ابی خدیوه گذاشتم، دوباره به کوفه بازگشتم و باز به خانه حفص بن غیاث وارد شدم. حفص پرسید: «از کجا می‌آیی؟» گفتم: «از بصره» گفت: «پس چرا باز برگشتی؟» گفتم: «از ابن ابی خدیوه چنین و چنان شنیدم.» حفص آن حدیث را برای من روایت کرد و من مجدداً بازگشتم.»^{۳۱}

۳- سفر جابر بن عبدالله به مصر و شام

«جابر» یکی از آن چند نفر صحابی است که به کثرت نقل و روایت از رسول اکرم ﷺ شهرت دارند و عامل نخست، حسن دانش دوستی جابر است که حتی برای شنیدن یک حدیث از مدینه به مصر رفت و این سفر با وسایل آن روز، یک ماه طول کشید. ۳۲

«احمد بن حنبل» در «مسند» خود نقل می‌کند که «جابر بن عبدالله انصاری» صحابی معروف و سالمند از مدینه به شام رفت تا حدیثی را که عبدالله بن انیس جهنی از پیامبر عالیقدر اسلام روایت کرده است از خود او بشنود و واسطه‌ای در میان نباشد. حدیث همان حدیثی بود که در مورد حقوق همسایه و برادر دینی بود و گذشت. ۳۳

«سیوطی» در «حسن المحاضرة» نقل می‌کند که جابر شنید که «عبدالله بن انیس جهنی» حدیثی را راجع به قصاص از پیامبر شنیده است و چون دیگری این حدیث را به یاد نداشت و «عبدالله» نیز مدتی پیش به مصر مهاجرت کرده بود، جابر خود را برای شنیدن مستقیم این حدیث آماده مسافرت به مصر کرد. خود جابر گوید:

«... به بازار رفتم و شتری را خریدم، سپس زاد و راحله‌ام را آماده کردم. یک ماه روی شتر نشستم تا به مصر رسیدم، تا حدیثی را سؤال کنم. به در خانه «عبدالله بن انیس» رسیدم، و سلام کردم و غلام سیاه‌زنگی از منزل خارج شد، و گفت: «تو کیستی؟» به او گفتم: «جابر بن عبدالله» پس بازگشت به آقای خود خبر داد. مجدداً برگشت و گفت: «آیا تو همان صحابه رسول خدا هستی؟» گفتم: «آری» دوباره به منزل برگشت. دیدم خود عبدالله بیرون آمد، و مرا به بغل گرفت و من هم او را بغل گرفتم. گفت: «برادرم چه باعث شده است که به اینجا آمده‌ای؟» گفتم: «حدیثی که شما از رسول خدا ﷺ در مورد قصاص نقل می‌کنید. چون جز تو احدی از راویان باقی نمانده است که آن حدیث را مستقیم از رسول خدا نقل نماید. خواستم بی واسطه از تو بشنوم.»

«عبدالله جهنی» گفت: «شنیدم از رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «چون روز محشر می‌شود، مردم عربیان و پابرهنه و دست خالی محشور می‌شوند. سپس متادی ندا می‌دهد، با صدایی که دور و نزدیک آن را می‌شنوند و می‌گویند: «من هستم آن صاحب اختیار و منتقم، امروز ظلم و ستمی وجود نخواهد داشت، هیچ کس نمی‌تواند وارد بهشت شود، و هیچ کس از اهل آتش نمی‌تواند داخل آتش گردد، در صورتی که پیش او مظلومه‌ای وجود داشته باشد، هر چند خراش دست باشد.» گفته شد: ای رسول خدا! چرا پابرهنه و

عریان؟ فرمود: «عریان از حسنات و سیئات»^{۳۴}

۴- سفر ابو العالیة از بصره به مدینه

از «ابو العالیة» نقل شده است که می‌گوید:

«برای ما از یاران رسول خدا ﷺ در بصره احادیثی نقل می‌شد، ولی ما به سماع از بصریان اکتفا نمی‌کردیم و به مدینه می‌رفتیم تا از زبان خود راویان، بدون واسطه احادیث را بشنویم...»^{۳۵}

۵- سفر ابن قلابه بصری به مدینه

از «ابن قلابه بصری» عبدالله بن زید جرمی (متوفای ۱۰۴) نقل شده است که سه سال در مدینه اقامت گزیدم، و فقط نظرم، گرفتن یک حدیث از ناقل اصلی آن بود.^{۳۶}

۶- سعید بن مسیب

از سعید بن مسیب (متوفای ۹۰) نقل شده است که روزها و شبهایی برای فرا گرفتن یک حدیث به تکاپو و مسافرت گذراندم...^{۳۷}

* * *

با توجه به این گونه نقل و انتقالها و گشت و گذارهاست که در «رجال» عده‌ای با وصف «رَحَال»، «جَوَال» (سیاح)، سافر الی الآفاق (جهانگرد)، طَوَاف الْأَقَالِیم (سیاح مناطق) شهرت یافته‌اند که همگی مشعر بر کثرت سفر و کوچ نمودن برای دریافت حدیث می‌باشد.^{۳۸}

* * *

پس با وجود این همه تشویقها و ترغیبها بود که جوامع حدیثی به وجود آمدند، و با گسترش نیازهای فکری و معنوی جامعه اسلامی، کتابهای متنوع و جالب حدیثی پا به عرصه حیات گذارد، و برای سهولت استفاده، کتابهای حدیث به صورت موضوعی و متنوع عرضه گردید، که از میان آنها چند کتاب حدیثی زیر از اشتهار و اعتبار خاصی برخوردارند:

- ۱- اصول کافی و فروع و روضة آن از ثقة الاسلام مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) با ۱۶۰۹۹ حدیث
 - ۲- من لا یحضره الفقیه تألیف محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) با ۹۰۴۴ حدیث
 - ۳- تهذیب الأحکام در ده جلد، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) با ۱۳۵۹۰ حدیث
 - ۴- الاستبصار با ۶۵۳۱ حدیث
 - ۵- وسائل الشیعة تألیف شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴) با تقطیع احادیث و جادادن هر حکم در باب خویش، با ۳۵۸۵۰ حدیث
 - ۶- الوافی تألیف محمد بن مرتضی، معروف به ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱)
 - ۷- بحار الأنوار تألیف مولی محمد باقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) در یکصد و ده جلد، در حدود ۴۵۹۵۰۰ حدیث
 - ۸- مستدرک الوسائل تألیف حاج میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰) که هم اکنون بخش اول آن در هجده جلد انتشار یافته است.
 - ۹- جامع احادیث الشیعة با اشراف و نظارت آیه الله العظمی بروجردی، که تاکنون ۲۳ جلد از آن انتشار یافته است.
- قابل ذکر است که چهار کتاب نخستین از کتابهای معتبر و قابل عنایت در میان شیعه می باشد، و دیگر کتابها و جوامع حدیثی با توجه به ضوابط و معیارهای حدیث شناسی مورد استناد قرار می گیرند.
- از بین این دسته کتب، کتابهای برگزیده شده به عنوان «اربعین حدیث» از عنوان و اعتبار خاصی برخوردار گردیده اند، که خود سرگذشت جالب و سیر فرهنگی طولانی دارد که ما به صورت فشرده و برگزیده، به چند نوع از این گونه «اربعین ها» نظر می افکنیم.

جوامع چهل حدیثی

با وجود عنایت و توجه تامی که از سوی مشتاقان و گردآورندگان آثار رسول خدا ﷺ و شیفتگان مقام شامخ خاندان رسالت به احادیث وجود داشت، و با توجه به تلاش مستمر و کوششهای پیگیر و شوقی که در مردم مسلمان در ابلاغ و رساندن احکام خدا به دیگران، حاکم بود، گاهی در سیر و بررسی آثار محدثین نامدار اسلام، به مواردی بر میخوریم که حاکی از عمق گرایش آنان به بسط و توسعه این علم، و نشانگر دلبستگی عمیق و اخلاص آنان به حدیث می باشد. از آن میان می توان عنایت به تألیف یک جلد و احیاناً چند کتاب را در مورد یک حدیث خاص ذکر نمود، که گاهی کتابهای پرحجم و بزرگی به بحث و بررسی یک حدیث یا چند حدیث اختصاص یافته است. از جمله در جوامع شیعه می توان از کتاب نفیس «الغدیر» در یازده جلد، درباره حدیث غدیر، یا موسوعه «عبارات الأنوار» مرحوم میرحامد حسینی لکهنوی در ۱۰۰ جلد در مورد چند حدیث اعتقادی و کلامی نام برد. اما در مورد کتابهای حدیثی که دربرگیرنده تعدادی از احادیث، و گاهی تا ۱۰۰۰ حدیث باشد، گنجینه های نفیسی در کتابخانه های اسلامی وجود دارد که صاحب الذریعه، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی - اعلی الله مقامه الشریف - تنها توانسته اند اسامی ۷۶۶ جلد از آنها را در میان محدثین شیعه با نامهای گردآورندگان را آنها درج نمایند.^{۳۹}

در این میان، تعداد کتابهایی که به مناسبت خاص یا بر مبنای بررسی مسأله اعتقادی ویژه ای به رشته تحریر درآمده اند، از اهتمام تامی بهره گرفته اند که از آن جمله، می توان جوامع چهل حدیثی را نام برد که محدثین عالیقدر ما به منظور تیعن و تبرک جستن بر حدیث شریفی که امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرده است، آنها را «اربعین» نامیده اند. متن حدیث این است:

«مَنْ حَقَّقَ مِنْ أَخَادِثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ غَالِمًا فَقِيهًا»^{۴۰}

مرحوم علامه منتبّع، شیخ بهاء الدین این حدیث را با سلسله سندهای خویش، از

طریق امام موسی بن جعفر علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رساند و به این صورت در اربعین خود نقل کرده است:

«مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْهَا يَخْتَارُ جُؤْنَ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ
بِقَوْلِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَقِيبَهَا عَالِمًا»^{۴۱}

«هر کس بر امت من چهل حدیث از آن احادیثی که در امور دینی خود، به آن نیاز دارند حفظ نماید، خداوند عزوجل او را فقیه و عالم محشور می‌فرماید.»

ما اکنون در صدد بیان این مقصد نیستیم که منظور از حفظ چیست؟ یا چرا فقط احادیثی که مورد نیاز باشد؟ و یا عنوان فقاہت چیست، و دارای چه مرتبت و منزلتی است که محدثین به آن مرتبت نایل می‌گردند؟ بحث تفصیلی این مباحث در خود اربعین شیخ بهائی، مورد بررسی قرار گرفته است، و خواهد آمد. فقط هدف ما ذکر اسامی تألیفات و محدثینی است که مجموعهٔ چهل حدیثی، یا به اصطلاح «اربعین» از خود به یادگار گذاشته‌اند. قابل ذکر است که علامهٔ سالف الذکر صاحب الذریعه، اسامی هفتاد و هفت تن از محدثین عالیقدر را که «اربعین» نوشته‌اند، ذکر فرموده‌اند.^{۴۲} ما نیز برای استفادهٔ خوانندگان گرامی، و به عنوان تیتن و تبرک از اسامی آنان، فقط نام «چهل تن» را با چهل کتاب در ذیل می‌آوریم:

۱- اربعین ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ.ق) که چهل حدیث از طریق اهل سنت در مورد مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد.

۲- اربعین راوندی تألیف «ابوالرضا» ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی کاشانی، شاگرد ابی علی بن الشیخ طوسی (متوفای ۵۴۸ هـ.ق)

۳- اربعین حدیثاً تألیف سید محی الدین ابوحامد محمد بن عبدالله بن علی بن زهره پسر برادر ابوالمکارم ابن زهره (۵۸۶) که نامهٔ امام صادق علیه السلام به نجاشی در آن آمده است؛ نامه‌ای که در «مکاسب» مرحوم شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ هـ.ق) به تفصیل از آن سخن رفته است.

۴- اربعین تألیف شیخ جلیل منتجب الدین رازی (۵۸۵ هـ.ق) نوادهٔ حسین بن بابویه قمی. این کتاب مشتمل بر چهل حدیث از فضایل مولا علی علیه السلام است که نام آن کتاب

- «الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیہ السلام» می باشد.^{۴۳}
- ۵ - اربعین تألیف رشید الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ ه. ق)
- ۶ - اربعین تألیف شیخ جمال الدین یوسف بن حاتم شامی عاملی، مؤلف «الذکر النظیم» از شاگردان محقق حلی که از سید بن طاووس اجازه روایتی دارد.
- ۷ - اربعین تألیف اسعد بن ابراهیم بن حسن بن علی بن علی حلی (متوفای ۶۱۰) او گفته است مقصود از چهل حدیث، احادیث مربوط به فضیلت اهل بیت علیهم السلام است.
- ۸ - اربعین یا مفتاح الكنوز فی شرح الحدیث الاربعین تألیف ابو عبدالله حسین بن احمد بن محمد بن تبریزی (متوفای ۷۶۷ ه. ق)
- ۹ - الأربعون حدیثاً تألیف شیخ سعید اربلی، استاد شهید ثانی. شیخ حسن بن سلیمان که در سال ۸۰۲ حیات داشته، از آن نقل کرده است.
- ۱۰ - اربعین تألیف شیخ جمال مقداد بن عبدالله، معروف به «فاضل مقداد» (متوفای ۸۲۶ ه. ق) از شاگردان شهید اول (مستشهد ۷۸۶)
- ۱۱ - اربعین تألیف شیخ سعید ابو عبدالله محمد بن جمال الدین شهید اول (مستشهد ۸۷۶ ه. ق) این چهل حدیث مشتمل بر عبادات مورد نیاز می باشد، و به ضمیمه «غیبت نعمانی» به چاپ رسیده است.
- ۱۲ - اربعین حدیثاً تألیف امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله الحسینی دشتکی هروی، معاصر شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ ه. ق). در آغاز آن: «الحمد لله شکراً لاشریک له...» و در پایان آن آمده است: «... اسقني شربة بكف علی علیه السلام»
- ۱۳ - الأربعون تألیف شیخ سعید زین الدین بن علی بن احمد شامی مشهور به «شهید ثانی» (مستشهد ۹۶۶ ه. ق) مرحوم مقدس اردبیلی در «حدیقة الشیعة» از آن نقل می کند.
- ۱۴ - اربعین تألیف مولی عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری خراسانی (متوفای ۹۷۷ ه. ق) که فراغت از آن در ذیحجه سال ۹۸۲ ه. ق صورت گرفته است، و در فضیلت علی علیه السلام است.
- ۱۵ - اربعین تألیف شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد فرزند شیخ شمس الدین

محمد (متوفای ۹۸۴ ه.ق) پدر عالیقدر مرحوم شیخ بهائی - اعلی الله مقامه الشریف -

۱۶- اربعین تألیف سید جلیل امیر فیض الله بن عبدالقاهر الحسینی التفرشی (متوفای ۱۰۲۵ ه.ق) که آغاز آن «بعد الحمد فهذه اربعون حديثاً صحيحاً...» می باشد.

۱۷- اربعین حدیث تألیف شیخ بهاء الدین عاملی (متوفای ۱۰۳۰) که شرح و توضیح کافی دربارهٔ احادیث دارد و یکی از معروفترین اربعینها می باشد - که هم اکنون در اختیار شماست.

۱۸- اربعین تألیف شیخ محمد صادق بن محمد اسدی جزائی در فضایل علی علیه السلام از کتابهای اهل سنت استخراج شده است. فراغت از آن به سال ۱۰۸۲ ه.ق بوده است.

۱۹- اربعین تألیف مولی فتح الله الواعظ القزوینی. صاحب الذریعه احتمال می دهند که او همان مؤلف ابواب الجنان - به زبان فارسی - باشد که به سال ۱۰۸۹ درگذشته است.

۲۰- اربعون حدیثاً تألیف محدث متتبع ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱) که عموماً در فضایل اهل بیت علیه السلام می باشد.

۲۱- اربعین تألیف ملا محمد طاهر قمی (متوفای ۱۰۹۸ ه.ق) استاد اجازهٔ روایتی علامهٔ مجلسی که زمینهٔ کتاب در باب فضایل علی علیه السلام و امامت ائمهٔ اطهار علیه السلام می باشد.

۲۲- اربعون حدیث و دلیل تألیف محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی قمی که شیخ الاسلام و امام جمعهٔ قم بوده است، و در سال ۱۰۹۸ ه.ق درگذشته است. این کتاب در باب فضیلت اهل بیت علیه السلام می باشد.

۲۳- اربعین تألیف قاضی فقیه محمد سعید بن محمد مفید قمی (متوفای ۱۱۰۰) که با عبارت «الحمد لله الذي اغنانا بمعادن حكمته عن زخارف الدنيا» شروع می شود.

۲۴- اربعین تألیف علامه علم الاعلام شیخ الاسلام مولی محمد باقر المجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ه.ق) که بارها در ایران به چاپ رسیده است و اخیراً با نفقهٔ مرحوم حاج ابوالقاسم سالک انتشار یافته، و دارای ۵۹۹ صفحه است.

۲۵- اربعین تألیف محمد نصیر بن محمد صادق اصفهانی (م ۱۱۱۱ ه.ق) خادم روضهٔ رضویه که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته است و آغاز آن «بهتر شنایی که بلبل هزارستان زبان از قفس دهان آن مترنم شود...» می باشد.

- ۲۶- اربعمین حدیث در طب و دارو تألیف ولی محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی، سال تألیف آن ۱۱۲۱ ه. ق. است.
- ۲۷- اربعمین تألیف علی بن شیخ حسین بن شیخ محی الدین بن عبداللطیف جامعی که فراغت از آن در سال ۱۱۲۴ ه. ق. صورت پذیرفته است.
- ۲۸- اربعمین در فضیلت علم و علماء تألیف سید دلدار علی بن سید محمد معین نقوی نصیر آبادی لکنهویی (متوفای ۱۲۳۵) از شاگردان آیه الله وحید بهبهانی
- ۲۹- اربعمون حدیثاً تألیف سید عبدالله شبر کاظمی (متوفای ۱۲۴۲) که به ترتیب حروف تهجی نگارش یافته است.
- ۳۰- اربعمین حدیث تألیف مولی محمد شفیع استرآبادی (متوفای ۱۲۵۹) که سرآغاز آن «الحمد لله الذی هدانا لبطفه الی الصراط السوی و اسلکنا بمرته المنهج الواضح ...» است.
- ۳۱- اربعمین تألیف سید محمد مهدی بن محمد جعفر تنکابنی موسوی، مؤلف «خلاصة الأخبار» که در سال ۱۲۷۵ قمری به چاپ رسیده است.
- ۳۲- اربعمین یا شرح فارسی مبسوط به نام «الماء المعین» تألیف محمد رضا شعبان تهرانی مقیم مشهد مقدس (متوفای ۱۳۲۴ ه. ق.)
- ۳۳- اربعمین تألیف میرزا ابراهیم پسر حسین بن علی بن غفار خوئی، شهید در غائله اکراد خوی (به سال ۱۳۲۵ ه. ق.) که در سال ۱۲۹۹ به چاپ رسیده است.
- ۳۴- اربعمون حدیثاً تألیف میرزا محمد بن محمد تقی ارباب قمی (متوفای ۱۳۴۰) که در سال ۱۳۲۸ ه. ق. درباره فضایل ابا عبدالله الحسین علیه السلام تألیف و به چاپ رسیده است.
- ۳۵- اربعمون حدیث تألیف علامه حیدرقلی خان معروف به سردار کابلی نزیل کرمانشاه در چند جلد، تا ۱۳۴۰ ه. ق. که بنا به قول صاحب الذریعه تا آن تاریخ ده جلدش چاپ شده بود.
- ۳۶- اربعمون حدیثاً تألیف شیخ علی بن شیخ سلیمان بلادی بحرانی، ساکن قطیف (متوفای ۱۳۴۰) که به ضمیمه کتاب «انوار البدرین فی علماء الأحساء والقطیف و البحرین» چاپ شده است.

۳۷- اربعین تألیف محدث معاصر مرحوم شیخ عباس قمی که در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است و درباره اخلاق و تربیت می باشد.

۳۸- اربعین هاشمیه تألیف بانوی دانشمند و مجتهده ورعه حاجیه خانم امین اصفهانی (متوفاه ۱۴۰۰ ه.ق)

۳۹- اربعین (مصباح الهدایة فی اثبات الولاية) تألیف آیه الله سید علی موسوی بهبهانی از فقهای معاصر که توسط رجالی معاصر، جناب آقای دوانی ترجمه و شرح شده است.

۴۰- چهل حدیث در اخلاق، عرفان و تربیت، تألیف عارف کامل و فقیه بارع، حضرت آیه الله العظمی امام خمینی ره که در سال ۱۳۵۸ از تألیف آن فراغت یافته اند و حدود ۵۰۰ صفحه خشتی می باشد. ^{۲۴}



گفتاری از مؤلف در مورد حدیث و درایه

نکته دیگری که در این پیشگفتار به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان ضرورت دارد به آن اشارتی شود، انواع احادیث است، که در علم «درایه» عناوین و اصطلاحات خاصی بر آنها اطلاق شده است، و در این اثر روایتی، چه در متن و چه در ترجمه، بارها با آن اصطلاحات روبه رو خواهیم شد. از این رو ناچار برخی از آن اصطلاحات درایه را به صورت اجمالی از کتاب «الوجیزة» اثر دیگر مؤلف نقل می کنیم، تا در مطالعه این اثر، مشکلی پیش نیاید.

مؤلف بزرگوار در پیشگفتاری که بر کتاب فقهی «الحبل المتین» دارد، رساله ای را با نام فوق تنظیم و در اختیار خواننده قرار می دهد. در آن رساله می گوید:

«علم درایه دانشی است که از سند و متن حدیث و کیفیت نقل و آداب نقل آن گفتگو می کند و حدیث، سخنی است که قول معصوم علیه السلام یا فعل یا تقریر او را حکایت می نماید و اطلاق آن پیش ما امامیه، بر غیر آنچه از معصوم علیه السلام صادر شده باشد، مجازگویی است و هم چنین است «اثر» که حاکی از قول و فعل و تقریر معصوم می باشد.»

خبر

خبر گاهی بر آنچه از غیر معصوم از صحابه و تابعین وارد شده، اطلاق می‌شود و گاهی هم مرادف حدیث و اثر می‌باشد، و اغلب چنین است و اگر گفته شود حدیث، قول معصوم علیه السلام یا حکایت قول، فعل و تقریر اوست، بعید نخواهد بود. اما به خود قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام، «سنت» اطلاق می‌شود. پس سنت اعم از حدیث است. برخی از احادیث هم هستند که به آن «حدیث قدسی» می‌گویند و آن خبری است که نوعی از کلام الهی را حکایت می‌کند که در آن مانند قرآن تحدی صورت نگرفته است. مانند این حدیث قدسی: «روزه از آن من است و من به آن جزا خواهم داد...»

انواع سندها

اگر سلسله سند حدیث در هر طبقه به اندازه‌ای برسد که تبانی افراد آن سلسله بر دروغ محال باشد، آن حدیث را «متواتر» نامند، و متواتر چنین تعریف شده است: «خبر جماعتی است که به خودی خود موجب قطع شده و به صدق و راستی خویش دلالت می‌کند، و گر نه خبر واحد یا خبر آحاد است که به خودی خود (بدون قرینه) جز ظن و گمان چیز دیگری را افاده نمی‌کند و در صورت آحاد بودن اگر ناقل آن در هر طبقه بیشتر از سه نفر باشد، آن خبر مستفیض است و اگر در هر طبقه یک نفر از یک نفر نقل نماید، «غریب» است و اگر افراد سلسله سند، هر کدام معلوم و مشخص باشند، «مسند» می‌باشد. و اگر از آغاز یا انجام آن یک نفر یا بیشتر ساقط گردد «معلق» است، و اگر از آخر سلسله یک نفر حذف شود، «منقطع» است، و اگر بیش از یک نفر ساقط شد، «معضل» می‌باشد. اگر حدیثی که با تکرار کلمه «عن» (از) روایت شود، «معنعن» است، و اگر ذکر معصوم علیه السلام مطوی و نهفته باشد، «مضمّر» و اگر سلسله سند تا معصوم علیه السلام کوتاه باشد، «عالی» و اگر مخالف مشهور باشد، «شاذ» می‌شود. و اگر سلسله سند و راویان حدیث همه امامی محدود با تعدیل باشند، «صحیح» و اگر تعداد اندکی امامی باشند، یا اصلاً امامی را در بر نداشته باشد، یا برخی از آنها با تعدیل و بقیه بدون تعدیل باشند، «حسن» و اگر مکسور از ذم و مدح باشد، ولی برخی امامی و برخی غیر امامی، «قوی» و اگر همه غیر امامی یا برخی از آنان با تعدیل همه سلسله،

پس «موثق» نامیده می‌شود، و جز این چهار نوع، ضعیف است. اگر عمل به مضمون آن شهرت دارد، «مقبول» می‌باشد...»^{۴۵}

مطالب فوق، فشرده‌ای از اصطلاحات علم حدیث بود که از الوجیزة مؤلف آورده شد، البته تعدادی از اصطلاحات و تعاریف آن مورد اتفاق تمام اهل فنّ و کارشناسان درایه نیست، ولی چون اصطلاحات کتاب «الاربعمین» با این معیارها و مقیاسها هماهنگی دارد، از این رو آشنایی با این اصطلاحات ضروری به نظر می‌رسید.